ARRIVE AREAS AND ARRIVED

and the street with the wife

ومسرود فيريش فأرس بالمثاوي

رما يُحُدُدُ رَحُدُمُ أَدُرُ رَحُمُ اللَّهِ مِنْ مُرْ مَدْ مُحَمِّرُ مِنْ مُحْمِرُ مِنْ

ر ماسترا الارتقاط إيار يأديه ر بين طم رياضر با لب ترابر به سير

علامل بحر شيبوه

هٔ ود قرندا بر خور خور ها الت در جل را ما قد ره دو رسیه الای از دار در جل را ها رسید را در از قاد ا فراغ در در در در

الله علاد معرفة إلى معروض الأوطوع د يوفع الأمريد عالا ورفع الحريث ومعرفة إدياء رق القراب أحدث المراز بلد ما الله على ما الاراز المعرف الرواع المعرف

ر د وی دو ده به به به به

مراه دو هر وای دو دان دو شهد با دو ر میدان دا میامندی ارد دو همیداد استرون در میدان مراهدان

، قطب منه الروانيد بر آدور الها سرية الرائم بدعه منا لها در الآن اد تورانيد با ميا مياه على منا لها در برد. با مياه مياه على در نمور داد الفراه ما در با مياه على در الميان الان الميان داد الدر الميان الداد الميان الميا

در به صور به رک است اینداز باز ده واژی بر عصر هم نسب استانان بید درم جاجر برما افاد بورس استام برد فهر رفاهید نیاه در استین اس

بار او دارو در تهراند. بها دره او داخر داشا دار بهار هم بهار دارید دارید رسید دار ده. دارید داری و دارید پیده دار در در در در دارید دارید دارید دارید در در در در در دارید دارید دارید دارید در در در در در دارید دارید دارید دارید دارید

ياد را خيل نده ويد الناء

يشهاوني بإرمره بدائد الرائدود

عد شعبة يبرها م نها يسعد عل بكيا الشاء لعن

م و معودي



البالدي فرانس مع يتوم سم الأخور سيرادي ومحار بار مأ وما لا Sub-Site and Site Subsequence on

マーションラファントロック

دو ساسوفه الدائرزورديدات

ه و مداور المحافظ الم

بالل ماج و معراد مدد . من الدخان و مد مؤاخر و الإسماد الرح دخر الدواج الاستالية (18 العد )

الريادة الموافقة الدينة ميذ برقع من المريدة الدينة ميذ برقع من المريدة المريدة من المريدة المريدة من المريدة المريدة من المريدة

Francis and the second second

4,714,1

العربية للتصرف فيلأ ومراجر فتاي الأ

into be Anniel attend AND INTERNAL AND ADDRESS

Same and

Sand James

الثبية خزبرير بالماعز وسترزين

LECTION SERVICE

grade tith days

وطاريض والبيوود بوهم

مرسدين للناو النازاة جائدت الدان الارامي الأ

برانه بدينها بسياسته هاد کريان ۵۰

رقى مى سىيىت ئى قاردىدە مىز ئەتارىخارى پەنىرى بەر ئەندىدە ھەركەكلەك كەندىدە بەر بورىدى ئىزىدىدە شەركىدىدە ھەستا

رون ئى چاد ئىدى بەھەمۇر ئىر ئىدى دىۋىرسىتىكى بەشە ئىلىق

printer

عرب و این منام الاصلاه ۱۹۱۰ ۱۳۰۰ و راست ۱۳۰۵ و در ۱۳۰۱ ۱۳۰۳ ۱۳۰۲ در خود در ۱۳۰۰ امر رود و موده کار عرافت از خود از ۱

ادر دو درخید خوار شو. دوهٔ در انشار خوا در به خواشد از دود ۱ کش ۵ دو به سه در اند شودشد رفار او سوخی چو

وه ای مادادی ۱۹۹۹ به مواندها

لدمة مر منغ من التاريخ (1900 1900 من مديد) الله أمر معدّم الدينة بدائد الموامة الكوائد

رند ماتوس و مداند از المدار المدورة المستد المداند المات المدار الدين الم مدار المدار المدار

## ادر بازده و باطارها او باز بو در بازد زایم بر اجرازی و بدر در در

الشامار والمرافعي الشاماراتين . الشامار والمرافع الشراعات الراحادي بالد

م دراه الراري مدامد

بالبار مرشر لمدان و د

كما فالدقيهم بالمرازعان

as here well they refer to be below.

وجه والأكار الإداران أوا الشؤوف المستام

بسره والساب الشامي والثارات

Assertance



بالرازان مهاضها لموطيد بأم خيار ويونان البوا الوارب والداهوة

كالسراء فالرابي الدائية ومواطلين

عاشيا فوطوات بذاء

دیده بر ۱۳۰۹ در خدود ۱۳۰۹ واستونی شروع ۱۳۰۶ واسترون ۱۳۷۶ در سالتری مید ۱۳۱۶ - زیره وابدان می اشان د ۲۰

> د بردو خود خود مورا د داد برد د ادب مورا

ر هوگ و وندیشد عرارها می رو ۱۹۹۰ داد خاد خلا مثد د درد در ادراها داد دادها

ري ورزود و دروه امراني وترفود

10 p. 10 p.

رونان دون و هنده ۱۹۶۷، درد شاه مه د دور د از آدر دان دوام دوام و دو اد

شعر النوريد وأهم الأمر

ورد کرد در این در این در مان در امری

. اب شاغ و ابدار راد رهز ای تتزرهها

ئوللغ سلامين عراق المسين عراق المراق المراق المراق المراق المراق المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع المراقع

در داده در شو سده در ادرکاس پیدر از برای رسده موشیکه بر پیدر در در امداد در دارک افد در ۱ شوید باشد

د المجالي ترواري الله مد الشام بالمام ترجعتم الله بع ما المحال المد والمام المام المام

على يوسي من الموات هيد و يولا و مي الريا مع مراة مو مو مديد بالله يوا معه الرياض المديد الموات مدينة الموات الموا

مید میدش به بیشان فیستان بر طویه کا به بین عادید از رای ماند بر می طویه کرانی میدرد میداشدند بر

これの 大いというない 田口のい

عنو براد خواشود بام امر

فروها بالبور والمراق هارين في المحدد ولا الأستيان بيطور

Sighe who called

طر در اد امرد فیرب امراض برزید عنواهر ومزائزان برزید سا برت ویزنیک را در اور امراض درت دادا اداری در ارد

بر سن چاکار کیا ہی کربھا پیشیا کیا۔ سکرتے شن طی رامز خارب

همو سالناد (۱۹۳۰ ۱۹۳۰ ۱۹۳۰)

الريالي و ۱۳۰۰ مادانده المساوم پوهود ۱۸۰ ۱۱ بازگر در ۱۹۰۰ مساوم پيولو س سان ۱۹۰۰ در دو ۱۹۰۰ در

مييوان د . ساويان (د و ادم الدرانسوور مي نعار ده نادي وادفاع (م و اسع

المحال من الأمرين والبلاطان السام المسع والله من أم ي الموم الاستان المسابقة وعبر الشاري الله والبلاطان الا

در مور صدر برده مد و در الدر مده مجد داد باد باد باد برد برد ادار به ادار مها حد داراج در داد برد سید بر برد دسید ادمی داده هر میان ادر برد مد دارید ادمید ادمی داده شد

4,

ومان التيمين المراجعة المان المان الله المان المرافي أن المان الم

مو زار وی ماچ می در ماه مو زاده اماه راه و آن دن » دن رده ساهی در ای آمریه کال کاه آمو سال اماد شعر سه در یا داما داد دارد در ای در در در

رفر ارتبر نے منافر مدر شام ہے۔ متر مرتا ہوئی پر شام اردہ ۔ ۔ کا نظار طفیل کیا کہ کا فراند از ایس بر تدرید برطان بادر ہے براز مدر از ارد الباد ہی۔

دید در آن سند در آن از در اثاریانه ی در در جدادید شنویی و شند راست راف طرح رصا فقید و شمر دی تربیه بحر ماد معین طر تریان رفونها

asternationship

من بدمتر القرن في دمية بطيا أثر الاست. يرد في الدينة الرئيس بالمراج المراج على من في الدينة الإلايات بالمراج المناط في الما المناط في المراج المناط في المراج المناط في المراج المناط في المراج المناط في المناط المناط المراج المناط في المناط المن

....

ارد طوی و الایده در ۱۹۹۰ کا کاری عدر بر الثیرات ۱۹۰۰ مند تعدار منه تعدی ۱۳ کا تعدار ماداد اداد کا او

المستعبالين فانر

دغين دري رخة ايندرجي . يساول برغان لا طرز خالك

رىد يا در دو دوي در دادو در خد درد در اين درد درد خد در در بود درد درد در در دود درد درد درد دادو درد

Selection and and

ا المنافق المن المنافق المناف

بالمواقع الشاوان المستود من المواقع الشاوان المستود من المواقع الشاوان المستود من المواقع الم

المراق هن الانتسار مي بالمرافق المانية المرافق الانتسار المرافق المرا

بتلافظاته ترحودينا فالليفود فلاف اردار برادار مردان م

القرط فليدر البا فالدرائية فلرا

أربينا فبالأبر فتوبر للعر وروموري وليدوشا لابتاء

Agendia

aleponous si

ان خراد باز فید موحیانات شر در حرام قار آن که ا این فاه ادیان در دره باز در ادران ادیره

latter things

العارا فرائل

164 667 1

برا مي خارج فايره ۱۹۸۹ ما ۱۹ در دار مي از ارا است بر مياه ماکه در اوار مي

242

ما چند میں برداعد بینیان رب لانظ بینی و دکتر م

يمر نج المراد مناه ومان فر از المود

## 4.00

مي من قبل عن شكار بعثل الا الديانية إلى الديانية من اليس المدالي عنا وال الديانية إلى عادية من ميكن الديانية المدرات

در خدار بر عار بای می برقی به امار است. پد ۱۰ خار فی از ۱۵ می از ۱۵ می است. ۱۰ مده خواه این اینده باید است. در است. باید ۱۲ مرد به اینده است. ماد برد ۱۵ می خارش دا فرد چه می باید اینده این و در در در

حداست الدان مرم ن داریه (۱۹۸۸ مرد از اسر م مار اینه بدر (۱۹۸۸ نیز نیز از هستو (۱۹۸۸ ۱۹۱۱ د است

مدّ بعد شعرٌ البراهي، خزا لزينظ في المد المد أل 1 الله حالة بدلا مراسط.

washing a post of the pro-

تدخرين والإراد فسر والرابس

ک برید و مقاومی

ماينادي فالمشتشرين دريونه

ه الأوالسيم في ما الايلامية وال المستدائل ومعم سرب دو

وه موسل الروس في والعراقية بالعربية \$3 dayment to \$5 and \$4 and \$5 and \$5.

الديار الراد ويت م الإنا عروب

في ول ليد ول أنذ تحق وتفريز فيسوسيد

القامين ويراوع

شوا در اند خوا در نظ شود بر تشرید باشه این قد را زمود شهر بر تشرید باشه این قد باشه این شده شده شار در شده شهر از شرکت باشه این شده شار شهر انتشار شرا آذا در اشاد باشد

••••



في في المارين من من المريد بين الم

مراحه والتوالية والشاعدة

ببدر درد شهرستر رحد برونا ر

الد من نثر فادخ نشر به مر دخ به باسه الأنسان نظر الفات منذ فان

المست ويمثو عن لغو جه إله طرحت رو المساسر، فعد الشارل فا منها والدائر الي

لو للرابط ما هم أمو من الله عام المواجع أحد من اللهاء الله الالمان الله الارساء

ب فر صفیده فاها و استان به او مورد و من صفید طابقا میر آمار عدیصو است مهر رقبل معهد من شاک افغان از حد اثر پایان بای

ر براؤنا ربانکا بطأ التربر برطا باطاعیر، براست دب ربز اطاسر استخد باطالا شیخ (ماناد برداد

ب دو بر جرامط و داری شد. شد داند داد افغای در از جو مد دام فر مرشا داد بر سب بر الب دامیدرز با افغا

ندور ویکی اگر به باز می تشود در از دی در رو مدر مارا در مع شد را شود که رایا و مرا مدر می مها در مراراد کا آن بود دی مدر به آن رفت در می زیردی کا مدر شر را مراز در ناشان

مردمردر درنواه ه درخردرد درنواه ه

کاری رشو واقع، پائی واقع افتاد رساز اترام راقعم شد باشدر: مثلاث مند

المؤاد أن التركيس والدو الأو محد المروك

لبد للألحراج والرائفهمة والبنال والها

بمتراضيه بإيدا فليديك قرار فعسا متذاليت Qualitative search disk still be

فلق ميشوم بزارت بلامسود ومد

24422222

ررشرون فاعتمد يخلف

والاجتماد صراية لأراومه والمبداد

خرا درون سائدان نیمر در و م

Redict State of the property

مدر دور دران الرائد والمرافد والا

letter in

خيد فرير بالكرافل

فلأدع ولوقيار والدملالي

المناوق ولوتوا المادعات

مر اوات به بدائيا کتارہ مطالب جديد طا ية مين من طارق لا او بدائمية به الاده يون ما طوق و بنا يہ المديد به الاده ال

کار بنا فقر 1 بید الاب ادباد شرخ مید مد شد الاب سرخ الداد ادباد ب مید مد شد الداد بداد الداد با الداد

> عمو ترقی فر کو ترق مع تر آن آدرہ فر النز کا الرشن النال بر روہ ر النب عالمہ دیا ہا ہے ترد بار واقع کا مالک

والنبية في فريد بالأ أنشاء الأفر علو لديم فر عدار النباء العاب والاستخدار فر

رخت منز فارس بغیر فاند باشا وید دارد واجه در حید از نیاد در بعد فعیا در صد

. وتياد دد ر حدائر فرام ترهوالجد مثل ليلانو حدر المعام رماه ر مو.

الي فرانيات الشعيشير عوارشا بورة فيد الماروط #

المراق الم المنظم ا المنظم ال

امد ومدانه مین مسوع ایتید حداده ترس درد ر مدانیشن با قطع و فرسه ۱۳۶۰ داشری دیگر از به ساق هم اسد به امدی باشد داد. اگ

ور داخل به هر هو خاد دو در خاص در دو ها

راد میدانی طرف ماد هدار زراده که مهرد این عز مدید باط محد بعیز هامد م

الرمائز ميوافقي ميته اد ۱ الداري ويه فراريز ۱۳۰۰ شدالد والرازي شد فليتراويز ۱۳۰۰ شرك بطار باداد م مهاريض مرياز رشاع ارتزيين والو

ت دیدست بریز سیار می رفتن برست تسریز تبریط

. رحم ر تر شيخ کا چاکسا بي ليا بر ايد اندو اس داد بدر افار برا شيد يک چه

بين به النظار والوا وجود از قربا النفوة وسال از قر تواقد مس كم از جود العراق حيد براما حاج ان المعقر كمار از حيد از قرد أله حاد أو الإناشة الإنسا

زایس فر میدان فرد اید منا او دیدند فرد. غیرم و ناو می فر مر برگ فیش مناز انجا ب

A SECTION AND ASSESSED AND ASSESSED.

جاد و طاقا العالم استدار أنه الطبق و بلا مو احد ومرواة فلا خدرا مرة ولا القلالام وم معام حدة لأمر جدود لتمد ومرواة اعمار م فها

مراق في مختصة هما ويخد تنظر قاسد رامية الله الديث تراه الأند تنسية الاناس مراميز براشت الطاسطة الطال

حادث برابر مرفز براست مطاعداً، بنغ ال والإنفاء في فيد الداخر عد مجد يو الإنفاء في من الإيد ما يرغز غراء فدين لاس من « عاران الميغ

والإشار محافظ الأثار الوحر ميد لوديغ رقي غار كام التراكزية شارة مواد الأن ليبة رياسة الأولية حدة بينة أرائد في حداد لتبو أن الانتفا

رو ۱۹۱۰ این برامید رستون آنغ بر ریب بر مفار برسد برخید و برصد (زیدید و دا این طراکش ریزانشد رساندید رستا

W

فالمام الزهام كالمشاور سارعواه

where we have party

is no shift from more by with

Long Jacks & Bank, of my Bake.

Supplement .



اب در الزی طاع الازیمیات عربی را

تعشره ومرسب بحرار الالالر والمراجع المراجع والمراجع الأحراج الأحراج Marine In many 1977 or make the set

ومعرض فالمهامة

ور مهدر در ۱۹ راد در در در معن وند

والمدوق والمراوعة

المدامية والزاور المرائب الم



الوار للموار سيامه المارا والوائد

الدسم وسرج في بتر داو ش

الاشترجد لزهم سامان م

بعرة تشرون بكرية يرادنا الي

# القيطومطوم طولاد رائبة بدريووو

الله فراتي الأستام بدان التوان بعادة ودا

بولمونع لأصطر تبرووي مؤمم مألو والعراسدون

برطاند کاده خار دخ د شهاط خ به کار کارده

ة جرموعيده بالوطاق بالاثر تبرية مؤثر صرفعوش معمد أنذ

ورسوال ورفوعي ودو قريتي بلا تيم عال

الا معية الذي

الله والراطاني الرقاع 1000 مراغ الدائد و ا

men at a di

,

راد تانع مل مداد الرجا بزارش و ر غربر بر تموید بره و علم براد ا این مطر برای کرار راده داد راه برای الد الاسان الد رادید براد راه

سر وسال می داند وارد و همیرا برای میروانند برای در داند دریان بر اصر فارد این میروانند برای

در آدرو در اگروند قتر راز با قیمان در ۱۳۶۱ بر فیر در را در در دندری در بای مولومد بط نای در در دندری در بای هواند

ك وللاسخ رئي طاخر از سرر طماحادر تقريفاري ك ولاسخ بالنف بالافرار في العالم الداف

والشهاوي المسافر لواتا. يو مدروق مو المامال الألا و الأمال ت بخيد رز بر بي

مرجرة وارجعت

للد توميغ مرة والإطار للا فاعد 12 م بدين تشاري بواسونا تزورت

ية ايبر ليفس

وللاوم والأذاسواب هريط هرجو

بالانتهاد وتتمسم ويحول



A SALL SALLS

and a color with a

القايلام معلى كما الزائل

يركد عريضه والمداررة

ب والأخراد بعد واللائدية و معراة

ويورونه والمعالوة والمعراف







المراشر

بحلامراني وزوادتها والمحادد

and a Britan and day of my

بية ليمر ول بي العدود الدين في

where the same of

and the second of the second of

بديناني لربي لينفهد who have a beginned

درد النادي دو ۱۳۰۱ و دور دور تنود در في سط د فرد مقابل

وروان والمنازر لاوالله

الافظارة والموسونوحة

بعدر معشمه الزيان وم أمر الاجوائد

بازتر بشاير هشالا شاذا الايد

end of the second second second

بيكن تتعالى الكلي العبدائي) والبعالم

ويتشرم فلارواه والمح

سرسروه شرفادان مالت ما المالية المالية المالية

NAMES OF THE PROPERTY.

about some file and in

we would have also white

المواقع التواشريان مرجع ليحش

الروار سرووی ال الله الله والود و

# ليدفك

ا بالا با ورد بتصوير الثاني الد عاد بعاد النجا

به الدولية المتحدة في المرافعة المتحدد المدينة المتحدد المتحد

مراجعي افتر الانوارات المدر مطارعة وما تقريف المداخل مرجد يتبوار الليوا

ب مراد مراد خواشد شروشون

و الترافظ مرافعين (1) المحادث المالية (

ووسالو للشادالين الوادية يب

مثل شوادة الوطان والديال بالأ الزارج الرحاب والشام الله الأما المساحة المام ا

راف بناد شداد الاستان الداند السنو سر افتحاد بالتحاليات

الا المستورات الأراض المستورات المس

100

بمناحن بترضخ برفشر بهاؤهرات ويعز

بمراشا مقار شركا بارة أمز تأدبه ك

باد في المثلاث الماريخ المريد وم الله المثل والمد أدب ومد المعورات باد مي

31.46

ر فارد باشر فضا بای وجه. زیر آرمز آنا<sup>2</sup>

المراجعة ال المراجعة ال المراجعة ال

را الدول المستقدم المراجع المستقدم المراجع المستقدم المس

درهٔ بادناندازا مرداندازش فردود پمیمرف

ا در ۱۵ سامداد هذا و ۱۸ ساز ۱۸ ساز در داشو مدر سراست با بدراز ۱۸ ساز راز داشه با ۱۸ ساز شداسی بدار

And a second sec

والما ياليها والمنا

ري ويتأ معر درو شديد ۱۳۵۰ ز. خاد ما هو ر د از مدد د از درا دار ۱۳۵۶ ز. د د به مود دارد درو مراد د

ی فاریان ما پیدازی و فدید طاطق اثار 5 دید و برو در زاده کارادی در این آثار رسو دارا در درد فازی بهریبا میسا (در این دارانی را درد فازی اید دارد داد سال به

را دارد از این آر در اصرافت الا با مدید از واقد در حراق با مورد به یک مداد دارد و واقد استان فیدر استان از مدید این به میشوانده مداد اشد با در مارد این از دارد به دارد استان و دامه دارد مدارد استان از داشت در در داشت اشد اند

سوريند بريدهميدان هاران والمهدمول والك الايماد والمرابع حضا بدائر والزارة أالطمز و

عدور شائد بالدراء دراء

المحادث والماريخ والماركة والماركة

رد خود و استانه افر دو افدر اثم راد و هده این این از دفر در برداد به ادرو به این در اشد در الداده د

ا من المعرب مثر النام الدار إنه الدايم عمر الكناب الأهام 10 شكر باسعت المقاشعية والمدارات والزراقية دراة على تناد المثر 1 الموا

نواد ما در مع قد المسترسع لواله ما نواهدواتها فلو موالوا

راد مرمود کا اور این و اور در دوره کا در می در اگل طاخر فارد

است میتانید و المدین است المربط الارباط الدین در ۱۳۰۰ میل این این این استان الدین الدین بازین المینی بر ۱۳۰۰ میلیشن (۱۳۵۰ میلیس) بهرای هم (۱۳۵۰ میلیس) در ۱۳۵۰ میلیس

and the state of the state of

و عرفت مهمو طراند جردوسا

و المواقع و الدال المواقة سيد و الله و الموا الواقع و الله و الله و الدار الله الرام الرام الله المال و الله الرام الله

الدين المستورة في المستورة ال

ه خطبون و افتاده ر ها دارد تا درب که همید که د چدیاندی در قداد درار که یک را به در این که در خواجه تا ریزار سر

...

بمرافض والزالات مؤمسا يؤافر البيران ويدر المدائز وبناء كار

أند والألبا لمارز إيراني في ما 4.5

دائر تتزاو بما شباب

المثان می آن و هداشتی در افرو به و با در است. می افرو به و با در است. می افرو به و با در است. می است. می افرو به این این این می در است. می در است. به این ب

ور ماده کارد و استاناه وتر میرانی اگر بخر از کارگزاری کارگزاری است. الکار می که رسته ۱۲ طی رکت به اگر جد رشته حرال

مر آم دار التراق التي دايلة براساع السود الدار بالداخليد عالر بشاه الكرامية بتراح الدار من الدانية براحد الدورات الدار آم بكر الدريش مانا والكرامة بالدانية

راد بناره ها و با ادبی موه در مر شرکار داد د داد می دود بر سیا ساستی داد د شد شد می داد گراه در ادر مید می ادبی مید شود گی این مید در ب می اداد در در این این مید در ب داد د مید در در مید در مید در مید در مید در مید

مه از در شداد برگا نیانتها بر فعد د داشته اشتر خاز ۱۵ ساز بارساند سادس داد ادامه شد

مو کار دادهای اطراف ۱ کارگزاری موریخ مه کام ده افزاری در مالی کاری شاید در میکا رفته مه افزاری در مالی کارگزاری میکند و در این ام مرد افزاری شاید کشتر میرد املام و رست

> ۱۰ بره مدر های روز فی در ۱۰ بر را

ب آبوی جیووی دیرکے بدری : دیال آبوی معاملات کا

انک مثل بار دارسه دار رده امان باهمه پره د اما یک امنیم بیشل باشاه مود بری اما

\*\*\*\*\*\*

ه ترخ ۱۹۰۹ بر سا تو مدر ساطط امتراد مو ۱۰ در الدسرات

راو تهرسوا والها حيا موادر المداعية الشرعانية

مران ده شرار ده فید کان کرما سیا دو ۱۳ در در در ده فید

ه به به او ده طوی خار منا حاد در منز این باقر از ادر مناکب

فرارستان فالمساول فنطا

و السواد المارية الموسوع في الموادية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية ا الموادية المارية المار

الى المقاملية في الطالب المالة و الأرام الناس ماله أماله المالية من المالة في من المالة في منا

and the

radia Karaba Albania pasa

نالدی:` دالد می به در جدمز بر اسید د و بع دالد کر افزیست رمید بر می اید نیست د

The second secon

۳۰ و حداقیان و آن بنان میلادی بیشد رسم دار ما ۱۰ قبار (بهاما و آن شد حد مین برداند اور ۱۹۰۰ رسم طهمه ۱۳۳۰ رسم در این ۱۹۰۰ رسم میشود می مر قدر میداد در از قبار در این میشود میشود در مر قدر دردارات

ردا سر در آدر زرید ول شیر احدیقیون مستزیر در در درجاد درد:

6-

ومراجاتها والمحافز فالبرائد مميا

meserial wearing

وبالبراج والمتراجع والتراصيا ليور

مادسا أديرة مراتز والرستير ساش

الرافة معاليم و القراء والمعالم ما الر

6 to be seed on hear the same to

مرسيرتمي برحدا الإردعاء

مواملة فاعر بلمون المؤيم بنام

Total Barry Lake

ماضم في فابر شيوات المأت مراشد

عراك لاهاد المناه المراجع المراجع المراجعة

بين المستقدة الانجلاب المنظم المنظم

الشراب المعادي التي العيدي من المعادي المعادي

ال في المدافر المسلم ا

الدوام و در الله الدر النظم و برائد من بدوام من في عاد الدوار النظم أم ما دوام الدوام

م در از دارد است. که باره این در انگر راهند از در کار در استان در انگار راشت، مادر این

> د تریخ استان ا میران به باده و بیند رشاند از

ر المراجعة المراجعة

الدار الله مودها من بنا الله التي عيها الرواز مد الله در الله الله عددا در الله الله الله الله الله بنا الله الله الله معددا وحرق مسهد يتربي بنا الله منظم عددا الرواز في الأسلم البارة الرما أن الله منظم در والراز الله والدار الله صدرت من بدر المدار الدار الله الشاكر عرفة

ده المحل الدين ما در الدين من السعيد منه إمراد در بالدودات را لسعيد من الدار وراثهات اللب، دروا بالدانهات در آب معاد منا درانه بازوج الدينسد مر معمر السعيد أمراد عاد الدارة والنص الركاد مسا

ا راقاء من المنافر في لود 10 علم لائل علم راكل هدائش مل مندر من رودكورة بمعاليم ماكن و المنافقة من رودة ا

> حارضاتك لثانيا والمساواتين فيرالسمواتين يتمير شايدا

ر اثر 3 الداد الأول مي اكم المعمر - وجوع الد

الله ۱۹ الماليول بالواصل بين موسق بال مود المنفر القور والمفارية بين أو ودريت والمراكات المال والمناب الانتهاري براكسة بالمراكات الماليول المناب الموسودية والمالية

گرمای ایران سعید ساف می وقیدت در روسد متر ماه اسال با یک که اشها مرسور به با در مد کشر نام جرموز اماه ایک انتقابی شده سعی بر این

سد من حد اد ادار اشیا در شو موار اثارت بداد الاجها مراد مدیدا این مار با اثارت دارید با از دهد در ما تبارا در در اسطانیا ساسید در وزار اد

ر بهٔ دود و دو صفحهٔ سسیم و وی او بدخوه در هر طور هر وزر دو ترب د از دوه و سریر از معدمات و فسو رو رد بدگری شور هل

والترافق الدادة بها درم مرجد الواصل بطر وحد در الوارد الارتشاف بها الداخر الدراط الواحد دراك بها القرائق الدائم الدراع المراط الدراع المراط الدراع المراط الدراط المراط المراط الدراط المراط ا

الاس منز بنطاء به كام منا في قددت لا يش رقا در ماكند عاص الأنب بالدائية ، يذا الرجلو بالا الله التي الله من المعلق بياد الله اللبيد ما

داند الروام والزمر ورد المدرو في مد از در شاه فالدائدة المناه شيز کا در د در است.

Albert Conservation 10

### Deres de

printer 19 Specific State among to

ران و استخداد و المان و المان و المان الم المان الم المان ران و الموادات المان و المان و المان الم المان مان و المان المان المان و المان المان

ا فراه ۱۳ مصری فرسید کا برده از درود و درود داد. در افزاری خود مر و پیدا در افزاری فران درود از درود به از درود به در افزار به در از درود که مراضه درود که درود کا درود به

ر از درای و اینا پدایشه ها شهر د در از درای و اینا پدایشه ها شهر د در در ده کار به در دادید داده زامه کارا پدایشه ها کار در دیواد

عد میزاند این که خواج امریت را برا در امر و اگر که شده بده در امیرو د را برا باد کر زنده در امرافاد و ارب در

رمانید(): ۱۳۰۰ دانهاید و تسهیت ا و ۱۱ ه در منطق مدافقت و نداده منطقه

1000

بر وير استراب

را والع 200 علمون

راد الماد ا

د العرز التراجع لا يتم دياود بوله الأراض و الرويد ان والمحافظ و يدخوا الله الإسرار الرجاد أو بود ان والمحافظ و يدخوا الأرب ما إذا إدخا أراض الرائد الرائد المدارك المراضعة المرافق الرائد الإسلامة الواضاء بدنا المراضاء الراضاء الإسلامة

ر المراقع الم المراقع المراقع

لاهمامها عكماه بروالهالية

سعه اقبه از پیداری و راید تو سر اقبال کا حد صد میر مصدر را صدر احداث می از در می از در می از در این از د

ه ما موسي هو به المصاف المحمد الله ويشاند الما المؤار المعلم الدياري المام عنا الله ويشاند المماذ (الوالمالون العالمي مياه وعا مول تشهوم

ما که اثرات و مرکز کاف می بر وجود کنتا و را بس ما این اقداد و دارست به این و بدید به می افزاد امریخ به افزار بوده نشا داد.

manachtimentum) Ar water abgedant

را در از در این با باشد د داران در در در انطوری رسته از در در در انطوری میشد با در در در در انطوری در انفاد بازی در در انطوری در در اندازی از در در داران در در اندازی در در اندازی د

الوائد و

مر مسائل خریات دو و در فیانیویسی قیم کا ب اف فاسی سعید رسم براید داور و در بر ایران کاف رسیار که فاسیس می سیست را ایران بداشان فاتر ای فیل باید و این

مث مده الشاحلة لم المحمد مديد المحك السيد حد الدول في خالف القودية بيكان المرح في معين به السيد يوم في القودية بالتي إناقل والتار به مع الله يلمد مثا في من الدين الحوال الذي المحد بالتي مدين في يكن موسط بإنا في الراح الدول الدول المحدد الما في عرف والاحل الدول المحدد الما في عرف وإذا الدول

راه خارمز فارب بأو تأسينا مر أو حاريز أمر أو رسار البدارة أراء البطار الإليم و أمر المحادثة شاهد بالإمراغ العرارة

ان کا داده در راید باید که اینده ایندر به بهمی به کلیس و راید میان فود دکلت طاح در اثارت بینز فام یک خد افاد والران دیگا کارز از ایک مارسی فقم والران و داد ایکار این واقع از نظ

یام تر افضی یکف بر قبید هان از وات ۵ و به ط استان مرحد و کارش به برای کار مرد داشته به مید می استان که اگر به میشه اینان



المنظمة المنظ

روه برداد ادراد ادراد المرود مد داده هم المرود الم

مد از این در الدوری در ال

۵ الزامم چندر هر۵۰ ۵ نادر هر ۱۵۵

الله و موال الله الله و موال الله ريار المارات المارات

فعة مدير التوموانة فالتيام الترافق التيم م عدم مرومواني الشاء الماستقار م

مها الرون مواهد دواهها عامها براد ها از سال و این طبطه در ادامه دوام د مان المهدمان این خاراته از از روا آدیم

ي شعر حيد و طفي ۱۵۵۵ ده الو دل سود اند الد ۱۵۵ د دا هر

رد امال و بحق به خاص حد والي از بازية الد وما مي الدي الزامة التي المدين ومحيده شامه لديها؟

ا اف والورجة بر الدائر فيم الكاثر من الناء مثل الله المالة بالمواجز الذي الأمالة وال

هرد دون بخیار دون میلاد د مسا

> مراقع المراقع (CE) المومر سوائد (CE)

---

اللها مائز المواثر مه

ناد فعي مثل البراز به عامة برأن تقويماً: يعد بلده البدر درا الدران الاسر طور وزاه و البرده على الرائدة برغور درس مين دائد برخور بينون الرائدة برغور دراياً

بدائش ومؤشر إدائدي والمبالد

------

The Part of the Pa

ر ما المساور من المراجعة المر

المؤردة به الراحد والمدا الراح أو الأمياد الوسيدية أن المراحد الأمراح الأمراح المراحد المراحد

يمارا الدول من مدايد الذي الدول من مدايد الذي الدول من الدول الدو

الدولية المرابعة والمدافر موسة الأ الدولية المرابعة مرابعة المرابعة المراب

The state of the s

no malas

ران بر بزرش البعد ذاكاركية

رة الأسور الكوام الكامر بيزار من 19 ما كام الرائية و الإنجام من 2 كام مريز طولاً وهد المدينة الوسر سنة في الأوروان والكامر الأم

المعه بعد لييز السارات الا دوار في العاد الاثار الياد براد"

الله وما الدينية وموطاء تمزاله

رخوندا مرهولي به مدد

د به بر بز داری رف که سؤ سه ر د همد دود وی ۲

ورود. در قبود اریس بر ۱۰ وسمسیدر ۱۰ بومرافظ ۱۰ ورس ۱۰

بار ۱۳۰۱ در این ایس در ایجاب سالت را این

بھر میں جو خانا تب وہ شیر اپنی بنڈا

وموسد المشاطاة الماسية والمستوارة على والم وما تلقط مع ومام ومام القلياس الدمل والم المراكبات السياسة المهم والوجاع المواقع في والماضة المستوارة المستوارة المستوارة المتواقع عن الماسية والمهمة المستوارة المستوارة المستوارة المستوارة والمستوارة والمستوا

ا الورود و الراج مع التي القدار داد السرة الرود و بها القدار أن الاستان المراجع الراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع المراجع الراجع المراجع المراجع

را می در است. افزار ماه در است. افزار ماه در است. افزار در در است. است.

# had a self and block to

الله منا مد بالحديث الأدور والخيل في من من منا المام المستقبات والموجود المستقبات والمرافق المستقبات المرود والمستقبات المرود والمستقبات المرود المنا من منا المرود والمنا في المرود والمنا المنا الم



د (۱۰ تنصب تنظیم و تاثیر عق قلید و شاید رفته ادارا تاریخ تنظام سالم در است. (سام از مربود

در در الرائد الله المعلى والد

رد جد المراود والم مع الهو ما ميد ر

به حقد مصدقتها بدر بدار بدر قرق مع المجالف الالال قرامها، بدر قرات و خرا الاجالف الالال فرات بودار الد

ر در قار م فاشه ادر چاق وید اداده در د دارد ادارد در در در در در دارد ادارد در در در در

مرات بخدو مناصرة ماذري تها عرب مرغم احداد القام اساس الساط على طالعان خاط القال الشراعة الحداد الرجول والو

۱۰۰۰ فازا فراند تعدیش میدود ۱۰۰۰ فرداز فیر ۱۰۰۱ در دادود

A STATE STAT

مرياد وبهوالوجاة ويوديب فتصرينه



which has been been فر عددت و تدعيد في بر جو يسر بدر

وكامد بالدريش برائر سمايين لاي

وراران برعشد ديادو د

مباراتها المرمان المرزعاني

۱۳۵۰ هزام بر ۱۳۸۰ کار این آمنایی باشد این باشد این دارد این در در این د

ر وارد و امار استخ طر درد است داشته است. در مدرد اشت است در است می اشد، داشت می در است هم می در مدرد اشت است در اشت می اشد، داشت در اشار درد است در اشت است

روی فهدانگی رفتان مطرفا دارمید تر ادم تر روی فهتر مع در دارد رسیس میرا دود دارد دارد به سه می میان به بارش میران از دارد روی می در در در داد و خرب میران در ادارد در دارد و دارد در در در در در ادارد و خرب ما آدارد دارد می دارد در دارد رواند

د وجوده ۱ از مادی طور بادر ترفر در در دارد دارد سن برایسه بونیا آدارا دارد دارد شد و جوده د

رد الراح الراح الراح التجرير با يبيا. الراح الراح الراح التجرير با يبيا. الراح الراح الراح المراح المراح الراح ا الازم به طوحه براواناه واسترد واللح استاد و المراد معا التي برايك براعيان أمرو مراوعات العراد مراثر دايده باشه مراك التي

من العلود التأوي محروف ويون إلى من من عهدا ويكا أو منذ ويكا أو منذ الموسر إلى المقدم من المدافر من المحادث المكان عمر من المن العرب من أو من أو من المراج المنازة من المنازة المنازة ويراج الأولاد أن المنازة من المعادث إلى من المنازة المنازة الأوسدة عمر عمد والله من المنازة المناسسة إلى المنازة عمر عمد والله من المنازة المناسسة المناسسة المناسسة المنازة المناسسة المناسسة المنازة المناسسة المناسسة المناسسة المناسسة المنازة المناسسة ا

ام ه شامد رسامه بیاس راندا ما و مدید فام ایر مادر اید در برایال

welled wine provided

مريب مراشقة فتشاء فمدارهم

ب مرافعتس الرافان الاربية الله من الله المال

والبهاء والبراية والوار الارساد اللهمواني

بالاشتران بالإشار مؤاليوما

راید ام مع اطراعی خرانسیکی در است. ام افزار میشار با بید اشتینی با است و است را است از است است از است است از است است از است است از است است از است از است از است از است از است است از است از اس

در اطلاع کار کار اور ادار کار استان اور استان کار الحدر به خاد سو اور اورد بی بدر با بازگیا در اور افتار در اثاری را دانان

جه بدائر لاس هار الله اسايه بالرابطة عني رح طرافيدي

وه هد بشدگ ول د سار را الدید معاصر الزنان است کا د داد قریباً شرید مدر در برطر مید الزنان می است القرار بر سید ما هر داشتا می در بدان است دید الزار بر سید ما می داخل بر انجام در این الزنان بر است ماه درای بر انجام داد به بیشتر از این کنید داد را شده این افزار ماه دار می از این کنید و برطر از این کنید داد می شارد کا داد شود دار می از این کنید از در می

به وما ترب الله و مواهد و حراد أورب

رود لاتر في تمام أو الترسيد في من الرائز درم المار المار المار من المار الما

در انتقال کی خود کار پارس آنونی ده داد. دانسار آنو امرد در ۱۱ و بازم کار امرد در دد م مدار دادر ادامر در بادائی کا طار اصد در برد ادامه کار در ادام کار در در در داده کار است. در ادام کار و این در داده کار است. در دادرد آدام کارس کردار درد کار کارش فی مسادر کارد

شافأهم مؤسله فليتبلك أالتكالما للطالبا

الدر الرابر الإراب الما

طر جد دخة الوثر واستوثاريا تقد واستود به اخل وأي اداع در أداع الداهمة يعمل مثار رسا بداد والداء بست جوران خار الله جد جار مي ميه حدال حرد داد العالم بازائل شاخ الله بهذا ها

ایر مدان مانندان افرانیا موجود در را تایه شدر ایز فلپ بنز فدید و د امار افدر رابدریش اثا فیدارد شدید

دود دو خوسی کی می آباد دار جو دو در از داشد ادر سازان در خوار از ساخدار رس ها در در در از اساخدار رس ها

## توحيح لنود وقور الأ

الأحمر والمنظ في ومن الله المنظ المنظ في المنظ في المنظ في المنظ في المنظ في المنظ المنظ المنظ المنظ المنظ الم المنظم المنظمة المنظمة

هد در به قدم کر کیار هدوت بد قامرد در قدره کا زقاد در فیم کا مال در خامر بده فرانش بخامیان رود بدا مدرد ماکاری فرانش بخامیان رود

حبره القرائز و بده الاصد أو الأسم ارجه دارطانط دام البيشيسة لابران الها عام الفاشدة بالاستقال من حريد من عام الاقتلام بالاستقال من عاملة

ب ۵ دائز هیره بد از از اند. ۵ مرادر نازمتر رسینه بد درادمان از ادعاد بینا

ا من المنافع ا المنافع المناف

A graph of the product of the produc

per your party of the per you per your party of the per you per you per your party of the per you pe

dispersion in the contract of المستان ويتناف المستهارة المناه المراجب

بالا المربطين في الميا الأسم على عال المن الم الأماديم المثار المدا الثارات ولل مع المربع الرئيسة للم المثارات ومثارات

20.00

الرمة الحراق و التديير القرة ٢٠ التاليط عند مناحر أمو النامل طاحلة لرافعي بر صدائرة مناه عنهم أو عدد عشد عائد فراسيد من يواجد م منهم أمو الحراق الرائد الله المرافق المدامر المرافقة

الله المربوطي من الموازلة الواجي الوازلي والم الله المسابعة المرافق المرافق المرافق الله القراء من مراجعة مطر المرافق المسابعة الرابية والمدارس المرافقة الموازلة المرافق الم

apal ay hi

لرز دخر للصحودية ي

و بعد الرائل عبر الله الي عيد !! ولا الرواسانية ولا الرواسانية

الذائل وبالبائز التوافق لو الدين بياته . بالمساوعين مثل وبأنو منتدو عبلة ما والمنافق مثناريا لو بعو لو ما

ه از جازامی مکاری در بدر آن به فزین به از دره ادمی رفته زیان و که آم از مخابر ای سا در سازمی فشن حم آدامی فدیم وازر رفت با در بین ا

رمهاد جعدر مرسترید رست است و ورده بروزیت و برده رماه

المراجعة وفق الوقع المراجعة والمراقعة المراقعة المستواة المستواة المستواة المستواة المستواة المستواة المستواة المستوان المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المراقعة المستوان المستوان

ر ما الديد برمواد نز سال يي در دار از آن ساد رئاس طار نز دو ا میں کے تصد 1 اگر ہو مدد را بدہ ﴾ روائز اوسو میں برد مدائز برد مدائز برج از ان کا دیار خاطه شاہد کا در برج از ان کا دیار خاطه داد ان در برج مدر انتخاص میں کر کے معرفی میں کا

10,000

شاورانشد بالدوانا" دراز الارسادوان اللا

مرقط ربد (ما داد درمد هن معد ترجر ن

مشمور آن مشتاه بنیون بر ۱۳۰۰ هم مرسورتش متامورش سیاستان ب

معطور معوضه ترخید به رشطیر کردن

ه الما مده البدئ الشيعة الله الله إلا حام إلى المام عام أ أيامة عن ماها التي علم المائلة في عن رجعة على ا

مراه این اعتصادی چه های دخته است. این دان اعتصادی دختر مردم دارد. افعاد دست ما دختر دخت چند آن افراد از داند فهو هر دردان دخت

ياد المرفق المراجسة ما الوطوء والمرا التهابة الما المناجع المام المام المام المام المام المام

ورد موردی بردند. دید الاحمال جورده مدانی وافتیک راتبونی استادید خارد تیکو النام بود. بسندند باست

الثانية المام فيما الشاكم بود استعباد باست. \* هيران الزيار بوسيه

ام طور الدر الرفاع الاستخداد 14 المنعي 14 م 15 الدراي مناه على

روان والمرد مؤذختين الله وكانا الرقز الوهابية . الواقع المؤذر الموارات الإمام عن الما . الوحات

ت سره دعام مدام بدر تر بدن ب

رود که امری و به این خواهنو و این به در مده ود ما در در قبر آل زهر وروه سروده در در در حد در برده هاه در در این شهر در این شود .

اس) ويتر الباري ويونها والتواج الواقع المعادية المانية

وال الأشاء ولا فه عال قرم مي ماه بنصر الكويات ما العالم منافر في التي الرافاة المنع بالتاليات و المنافذ عبيرًا فعمها مر الأم والتي الراسعة الله وقد يُعدّ في التاليات

go Bargali Menanda gody in a minera cara tengan yang menanda ini bada ngan panggan penggan penggan

ا الرواح المجروع المسلم ا الما أنا الما الما الما المسلم المسلم

احمی کا کا دو مر در آنای واهو دسید ک غیشتهٔ داد که مواد یک به اثلی در به 2 غذر به دری وارشهای کا در در به در خدر به دری وارشهای مراسع مود وزار در در ادار و کارد داری

يتنا لذيتهم وحسطته وقريز الرجودات

الدور من مقول في فيوا مستميح بي بقد بازار بند القدر الدوم به به مقدر به بازان به و الاولى بيم مد بازيد الياس به الرواز في في المستميد بازار الي بين مد بازيد الياس به الرواز في فيا حاص بيد بازار الي بازان الدوم به بازار بازان بازان بازان بازان بازان بين بازار الياس به مديد بازان الدوم بازان الدوراز الياس بازان الياس بازان الياس بازان الياس بازان الياس بازان الدوراز الدوراز الياس بازان الدوراز الدوراز الياس بازان الياس بازان الدوراز الياس بازان الياس بازان الدوراز الياس بازان الياس بازان الياس بازان الدوراز الياس بازان الياس بازان الدوراز الدوراز الياس بازان الدوراز الدورا

حال النظي المنازلة الماراة الرائد الماراة الما

Byn, , & 5. 45. 47.

de apiece de la

والدائية والمستدم الافتيام مراتبه الما فأرث المعوالة when the state of the land of the

الرساس وكالاسراء الانتهام المراد الاستان

Barnes Aut

بالمزائب وهاستران والرا حداليون ترفين دهرت

ووجوملاني مرشز إلام المدرشية

مداعو مدار لمحائز فارام مرمرات

Beingablion

Not the same of the law. مشمور برسيامان الريسية فالمديد

أماعة لأباء وتسافظ مرجودة فالحمو

رائيز أوارد ومرسيدان الحزواني

عد شاهر عام میرید وی

Str 17 17 14 10

ساه فل شرائع لأنه ولايه حيماً م رو ب

عاصه ويتالز فراج بتاجرهان

الدخليط ويعجرها فيزفينا بيرة 8-616-164

طروجه برقانياوي يدلان ويسترف فيها بدائر وزاير وزيره فوال

the telegraph data was but half

To the days the section and secure

مارا بر کار پید په پرتوه کو بد. ۵۰ محد دیه نوی بط بر او کانتر است در داند کری پر پاد کړ دا کا در داندکار د کری

 المائز بنام مغ در شدیر دیون بر بعد شو اید در بعید اشد لا طوائز فر علی رئی اطاق ادب رفائل و بعد رفاز عارف علا بد داد به رفائل و بعد رفاز عارف با در داد ب

 استاهای در قدم نشی رختا در مناشع در قرنی نام دختا بیش نشید نشید بیشید بیشی رختی بختی در افت نادی فیاست. بیشید اگر رختی آثار مید افتاد می میزد و مینا

کا میڈیزی توانوندہ پر رابط ایجیت بر صد کر بجہ بنج کا ادامیت کو تکا فر کا انتقاف کی بیاد کر کڑے فرمید شار کی بید کا بیک

بالارتفادة والمرتفوة المرتفوة المرتفوة

وجرم لممزعفوه دراي

کار دادر بقد ادیا در اسمی و بنیم شد. خر قور در نصر دی دری دی قد شرح د فرد در این به مدت رکام دید شرک از در

ه . فاقد برادي به مدت وكام خزب لمياد ( انحاد طاي وجاد اله بميديا إحد الفار عليه وحد ازا الدب باز انعاد علي

رض فر نح ارت استر کی کار باقر ارتقار بندن ادی بعد فتو کردارشید موقا فرد از از شد. یا و دار بعد فتو بدر سند سیدانش، رو بطره رایسا دار احداق و بدارا فاصل استان کار بدارا بر طرف رایسا

ین المید داد این پید کند.

قارهٔ باشار باش در کتر تیز دیرا دیرا رو است استان می در کتر در کت

۲ کیا میا کی جاد ادارہ نے 10 کیا دار استان پیچا دی ہے۔ 2 لاک کی بات را دی فرد ایک

علالك فواه الدرقيا والشاعينا يستو

262456